

انتخاب

وزارتلا و مخالفان

● **سعید عابدیوز:** وزارتولا در وضعیت بحرانی اقتصادی به سر می‌برد. این وضعیت به‌خاطر تحریم‌های سخت آمریکا علیه این کشور به‌ویژه از سال ۲۰۱۷ توسط ترامپ است. اقتصاد این کشور به‌خاطر تحریم‌ها و به‌خاطر تصمیمات نادرست حکومت صدمه خورده است. روند دولتی‌کردن شرکت‌ها و کارخانه‌ها به ضرر تولید و افزایش اختلاس رقم خورده است. در سال‌های گذشته هرچند هوگو چاوز ظرفیت و قدرت بیشتری برای مهار تحریم‌ها و مقابله با تورم داشت، دولت مادورو ناتوانی بیشتری نشان داده است. مادورو پس از به‌دست‌گرفتن قدرت در سال ۲۰۱۳ خود را ادامه‌دهنده راه چاوز معرفی کرد درحالی‌که در چند سال اخیر او به‌روشنی دست به تصفیه نخبگان دوران چاوز زد. مادورو در سخنرانی‌ها به مردم می‌گوید که چگونه چاوز در هیئت یک پرنده بر او ظاهر شده و به او امر کرده تا هدایت وزارتولا را بر عهده بگیرد، ولی چنین افسانه‌سرایی‌هایی استفاده از کاریزمای چاوز تا کی می‌تواند ضعف‌های مدیریتی او را بپوشاند، سؤالی است که جوابش را باید در خیابان‌های آزارم وزارتولا جست‌وجو کرد.

جمهوری اسلامی

این‌ره که تومی‌روی…

مسبح مهاجری: سؤال مهمی که باید صاحبان بلندگوهای رسمی و غیررسمی به آن پاسخ بدهند، این است که اصولاً چرا این‌قدر حرف می‌زنید؟ مقامات دولتی و رسمی فقط وقتی حرف بزنند که کاری انجام داده باشند و گزارش آن را به مردم بدهند. حضرات غیرودنی اعم از حزوری و دانشگاهی و فعالان سیاسی هم فقط در هنگام ضرورت و به‌قدر ضرورت و در موضوعات ضروری و اصلی حرف بزنند تا مردم تشنه شنیدن سخن آنها باشند و شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که هر کلام آنها مشکلی را حل کند، هر اقدام آنها مانعی را از سر راه زندگی مردم بردارد، هر حکم آنها دشمنان دین را چند قدم به عقب براند و نفوذ دین خدا را در قلب‌های مردم دوجندان کند. انتظار مردم این است که در دوران حاکمیت نظام اسلامی، دولتمردان و رجال دین و دانشگاهیان و فعالان سیاسی، نمونه‌اعلای وحدت را در عمل به نمایش بگذارند. این روش است که مردم عادی را هم به وحدت می‌رساند و جامعه ما را به «بنیان مروض» تبدیل می‌کند.

رابطه ناپایدار ایران و اروپا ربطی به برجام ندارد

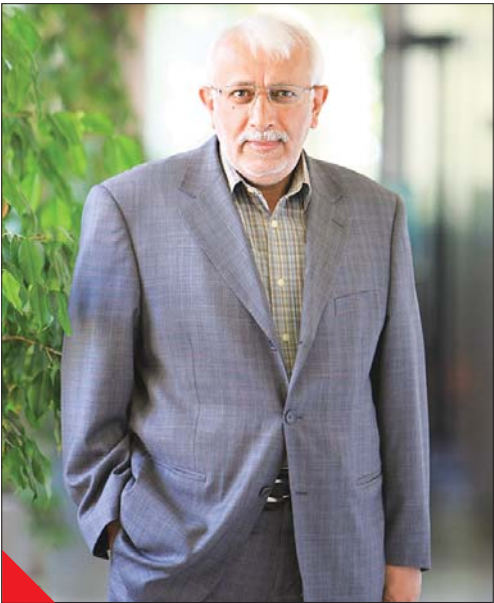
به نظر می‌رسد از ۲۳ تیرماه سال ۹۴ که برجام به امضای هفت کشور مذاکره‌کننده در وین، پایتخت اتریش، رسید تا به امروز، هیچ‌گاه برنامه اقدام مشترک تا این اندازه مورد تهدید واقع نشده است. از سال گذشته که آمریکا به‌طوریک‌جانبه امضای خود را از پای این سند برداشت تا چندروز پیش که فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نگرانی خود را از فروپاشی برجام اعلام کرد، همه قرائن گواه بر این است که حفظ این سند بین‌المللی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است، اما اینکه نگرانی اروپا از کجا ناشی شده است بازمی‌گردد به نشست حدود ۱۰ روز پیش دیپلمات‌های اروپایی و ایرانی در تهران؛ نشستیی که نتایج مثبتی را رقم زده است. از یک‌سو تهران دلسرد از اجرایی‌شدن وعده‌های اروپا درباره سازوکار ویژه مالی (SPV) که قرار بود بعد از خروج آمریکا از برجام برای تسهیل مقابله با تحریم‌ها ایجاد شود و از سوی دیگر ناامیدی برخی کشورهای اروپایی از واردشدن به مذاکرات جدید با ایران در حوزه‌های مختلف دیگر سبب شده است که فضای ایجادشده میان طرف‌های اروپایی ایرانی تنش‌ساز و چالش‌برانگیز شود. این در حالی است که رفتار متناقض اروپایی‌ها، خصوصاً در هفته‌های اخیر بر تردیدهای جمهوری اسلامی افزوده است. تهران معتقد است که اروپا قادر نیست ادامه برجام را تضمین کند. در این رابطه گفت‌وگویی با قاسم محبعلی داشته‌ام که مشروح آن را در ذیل می‌خوانیم.

کا به‌نظر شما آیا مواضع اتحادیه اروپا در قبال ایران دچار تناقض و سردرگمی نشده است؟ از طرفی درصدد ایجاد سازوکار مالی با ایران هستند و از طرف دیگر با دیپلمات‌های ایران برخورد می‌کنند و اخیراً هم تحریم ایران به‌خاطر موشک‌های بالستیک را مطرح کرده‌اند.
بیبینید مسائل را باید از هم تفکیک کرد. به‌خوبی پیداست که اروپا نگران حفظ برجام است، چون فروپاشی برجام ممکن است به مناقشات جدید بین ایران و آمریکا و هم در منطقه منجر شود و امنیت اروپا را با خطر مواجه کند، اما اختلافات و مسائل دیگری بین اروپا و ایران وجود دارد که می‌تواند به سؤال شما مربوط باشد، ولی طبیعتاً موضوعات مجزایی هستند؛ مثل برنامه موشکی، مسائل حقوق بشر، سیاست خاورمیانه ایران و مسائلی که به آنها اشاره کردید. اتفاقاتی که در چند ماه اخیر رخ داده است و اتهاماتی که به ایران وارد شده، مربوط به اقدامات امنیتی بوده که ایران در پاریس با سایر کشورهای اروپایی متهم شده است. اختلافات دیگری مثل قضیه خاتم زاغری که بین ایران و انگلیس وجود دارد، جدای از این مسئله است. بنابراین تنها مسئله ما و اروپا مسئله برجام نیست. اروپا علاقه‌مند به حفظ برجام است، اما حفظ برجام موکول به مسائل دیگری هم هست که به آن مربوط می‌شود، از جمله مناسبات اروپا و آمریکا. طبیعتاً حجم رابطه، نوع رابطه و مناسبات اروپایی‌ها با آمریکا ارتباطاتی استراتژیک، راهبردی و ناگسستنی است. طبیعتاً برای اروپا در مورد ایران اجبار وجود ندارد. بعضی از کشورها با سیاست‌های فرانسه، آلمان و حتی انگلیس همراه نیستند، مخصوصاً کشورهای اروپای شرقی که عمدتاً با سیاست‌های آمریکا درگیر تر هستند.

سیاست

در گفت‌وگو با قاسم محبعلی، سفير اسبق ايران در يونان مطرح شد:

رابطه ناپایدار ایران و اروپا ربطی به برجام ندارد



عکس: بهمن حسینی

به این دلیل تهدید خود را تهدید روسیه می‌دانند. آنها خطر بازگشت روسیه، همچنین شرایطی را که جنگ سرد و قضاییه که اتفاق افتاد و روسیه این کشورها را تحت اشغال خود درآورد فراموش نکرده‌اند. لهستان، چک و رومانی از جمله کشورهایی هستند که نگرانی‌شان بیش از اینکه سیاست‌های آمریکا باشد، سیاست‌های روسیه است. بنابراین در مورد ایران هم اجماع در این خصوص وجود ندارد؛ یعنی آنها علاقه‌مند نیستند که رابطه‌شان را با آمریکا سرد کنند. بعید است که اتحادیه اروپا قادر باشد بر سر ایران به اجماع برسد. جدا از این، همان‌طور که اشاره کردم، یک‌سری اختلافات از دیرباز بین ایران و اروپا بوده است که در این ۴۰ سال هیچ‌وقت حل نشده و در این‌باره مذاکراتی در دوره‌های مختلفی هم شده است. چند دوره مذاکرات انتقالی و مذاکرات جامع داشته‌ایم، اما هیچ‌کدام به نتیجه‌ای نرسیدند که بتوان رابطه ایران و اروپا را در سطح اتحادیه با کشورهای اروپایی یک رابطه تعریف‌شده و به‌اصطلاح آنها، به رابطه نهادی رساند. این اختلافات همچنان باقی مانده و طی سال‌ها به توبه و متناوب بروز کرده است. روابطمان چندبار با فرانسه و چندبار با انگلیس و آلمان بر سر مسائلی مثل میکونوس تیره شده است. در واقع رابطه ایران و اروپا هیچ‌وقت رابطه پایدارى در ۴۰ سال اخیر نبوده است و درحال حاضر هم تحت این شرایط رابطه پایدار و ثابت محسوب نمی‌شود که حالا انتظارات خاصی از اروپا داشته باشیم. باید درعین‌حال هم اروپا را کاملاً درک کرد و فهمید که اروپا قادر نیست انتظاراتی را که ایران دارد برآورده کند، به‌طورمثال در مقابل آمریکا بایستد یا مقاومت کند. تا حدودی این انتظارات نایجاست. حتی

تشکیل یا تعطیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها

محمدعلی کامفیروزی

صورت به تصویب رسید: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است».

آزادی اجتماعات یکی از برجسته‌ترین نمودهای آزادی و از شاخصه‌های اصلی دموکراسی است و راهی مدنی برای بیان اعتراضات و نظرات و مطالبه‌گری از حاکمان است؛

ازاین‌رو در اصل ۲۷ قانون اساسی، اصل بر آزادی اجتماعات گذاشته شده و این عمومیت فقط درمورد اخلال به مبانی اسلام و حمل سلاح استثنا شده است. البته گفتنی است که چون اصل بر آزادی است، در تفسیر استثنا نیز باید به‌قدر متیقن اکتفا کرد. بنابراین هرچند عبارت حمل سلاح تا حدودی روشن است، اما درباره تعریف عبارت مبانی اسلام، باید قائل به تفسیر مضیق و محدود شد و آن را فقط محدود به اعتقادات دانست و از تعمیم آن به احکام اسلامی و… اجتناب کرد. همچنین تنها اخلال (به معنای ایجاد خلل یا زیان‌رساندن) در این مبانی اسلام را (و نه به صرف اظهارنظر مخالف یا طرح پرسش و بحث) باید استثنا بر اصل آزادی اجتماعات دانست و البته طبیعتاً با توجه به اصل ۲۷، باید فرض را بر این گذاشت که افراد قصد اخلال ندارند، چراکه اولاً تا کسی مرتکب عملی نشده، نمی‌توان او را محاکمه و مجازات را به‌رغم‌مندی از آزادی‌های قانونی‌اش محروم کرد و ثانیاً با اثبات اخلال به مبانی اسلام یا حمل سلاح بر عهده کسی است که مدعی آن است و ثالثاً به نظر نمی‌رسد اجتماعات و راهپیمایی‌های محدود و موقتی آن‌چنان قدرت اخلاک‌رانه‌ای داشته باشند که بتوانند خللی در مبانی اسلام ایجاد کنند. در نهایت کار به توهین و… می‌کشد که البته در این صورت هم قابلیت اعمال مجازات قانونی برای مرتکب یا مرتکبین وجود دارد.

همچنین لازم به ذکر است که اعتقاد افراد به مبانی اسلام، شرط بهره‌مندی آنها از حقوقشان نیست، چراکه طبق اصل ۱۹ قانون اساسی، مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند و شرط بهره‌مندی از حقوق شهروندی، اعتقاد به دین و آیین خاصی نیست، بنابراین هر فردی با هر عقیده و مرامی و از هر قومی و قبیله‌ای، حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را دارد؛ البته مشروط بر آنکه این اجتماع یا راهپیمایی محل به مبانی اسلامی نباشد.

در چند ماه اخیر اما طرحی از سوی برخی نمایندگان شاخص فراسیون امید با نام «طرح نحوه تشکیل اجتماعات و برگزاری راهپیمایی‌ها» در مجلس شورای اسلامی ارائه شده که مشتمل بر محدودیت‌ها و الزامات غیرقانونی بسیاری است و با توجه به سابقه امر، در عمل نتیجه‌ای جز تعطیلی اجتماعات و راهپیمایی‌ها دربر نخواهد داشت؛ لزوم کسب مجوز قبلی از دولت برای برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها توسط همه اشخاص حقیقی یا حقوقی (آن‌هم درحالی‌که دولت سابقه خوبی در صدور مجوز برای برگزاری اجتماعات

سیاست

در گفت‌وگو با قاسم محبعلی، سفير اسبق ايران در يونان مطرح شد:

رابطه ناپایدار ایران و اروپا ربطی به برجام ندارد

اگر روابط ایران با اروپا به ثبات رسیده و چارچوب مشخصی پیدا کرده بود هم باز این انتظار، انتظار نایجایی بود.

کا **اروپا علیه برنامه موشکی ایران بیانه بدهد و تحریمی را اعمال کند**، **آیا به منزله پایان ارتباط با ایران و نابودی کامل برجام خواهد بود؟**

خیر، ایران الزاما باید در داخل برجام بماند و انتخاب دیگری برای ایران وجود ندارد. انتخاب دیگری این است که از برجام خارج شود و تحریم‌های شورای امنیت مجدداً برگردد که این‌بار اجماع بین‌المللی مجدداً علیه ایران شکل می‌گیرد. در این صورت انتخاب ایران است که روشی مثل روش کره شمالی را انتخاب کند و بمب هسته‌ای و موشک بسازد. واضح است که نتیجه‌اش بروز یک جنگ است. برجام برای این بود که در منطقه جنگی اتفاق نیفتد. اروپا هم به همین دلیل از برجام حمایت می‌کند، چون ایران تحت نظر شورای امنیت است. کشوری که تحت نظر شورای امنیت رفت، به این مفهوم است که سیاست خارجی، سیاست داخلی و اقتصادش تحت نظارت بین‌المللی قرار می‌گیرد. ما نباید اجازه می‌دادیم و نباید کاری می‌کردیم و نباید سیاست‌هایمان به‌گونه‌ای می‌بود که پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع داده شود، اما وقتی که به شورای امنیت رفت طبیعتاً نظارت بین‌المللی قرار می‌گیریم. برجام برای این بود که نظارت بین‌المللی از طریق مصالحه و گفت‌وگو و دیپلماسی حل شود که تا اندازه‌ای اتفاق افتاد. برجام یک برنامه هشت‌ساله است که سال ۲۰۲۳ خاتمه پیدا می‌کند. ایران از نظارت بین‌المللی خارج می‌شود و شورای امنیت به این رأی می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی نیست. طبیعتاً چون رابطه ایران و آمریکا تخریب است و آمریکا از برجام خارج شده، آمریکا این قطع‌نامه را وتو می‌کند و انتظار نمی‌رود که ایران بتواند مسائل خود را با آمریکا حل‌وفصل کرده و از این برنامه خارج شود. بنابراین بزرگ‌ترین مشکل اروپا با ایران، مشکل امنیت است که همین اتهامات اخیر از سوی اروپا مربوط به مسائل امنیتی است. مسئله موشک، مسئله امنیتی است. آنچه درباره سیاست خارجی ایران انتقاد می‌کنند هم مربوط به مسئله امنیتی است. حل‌وفصل همه مسائل ایران و اروپا موکول به حل‌وفصل نگرانی‌های امنیتی‌ای است که اروپا از ایران دارد. تا وقتی ایران و اروپا کنار هم نشینند و صحبت نکنند و با هم به توافق نرسند و در این رابطه اعتماد متقابل ایجاد نشود، امکان اینکه انتظار داشته باشیم روابط اروپا با ایران عادی شود، انتظار بیجایی است. هر کسی هم که گفته یا وعده داده و وعده بیجا و بی‌ربطی داده است، اروپا به‌خاطر مناسباتش با آمریکا و نگرانی‌هایی که دارد، نمی‌تواند در مورد حفظ برجام و راه‌اندازی SPV به اجماع برسد. در این‌سو هم منافع ملی ایران ایجاب نمی‌کند که از برجام خارج شود. مگر اینکه ایران خواسته باشد یک‌بار دیگر اشتباهی را که در سال ۸۴ انجام داد و توافقش را با اروپا برهم زد تا اینکه به شورای امنیت رفت تکرار کند. این انتخاب طبیعتاً انتخاب سختی است که می‌توان انجام داد و یک‌بار دیگر تجربه‌اش کرد!

تشکیل یا تعطیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها

و راهپیمایی‌ها توسط احزاب و گروه‌ها ندارند) یا امکان بررسی صلاحیت درخواست‌کنندگان یا سخنرانان و کسب استعلامات لازم از سوی مقامات دولتی یا لزوم ارائه موضوع سخنرانی و بیانه و قطع‌نامه بیانی و بیان علت و موضوع و هدف برگزاری مراسم و ارائه شعارها و دست‌نوشته‌ها و پرچم‌ها به مسئولان دولتی و… همه و همه از جمله شروط غیرقانونی است که در این طرح برای برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها در نظر گرفته شده و با توجه به تجربیات قبلی، زمینه‌ساز اعمال محدودیت‌های سلیقه‌ای بسیاری توسط دولت در مسیر بهره‌مندی شهروندان از حقوق و آزادی‌هایشان خواهد شد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد این طرح نەتنها کمکی به رفع برخی ابهامات قبلی درباره عبارت «محل به مبانی اسلام» نمی‌کند، بلکه حتی برخلاف نص صریح قانون اساسی، دامنه استثنائات اصل آزادی قبلی، زمینه‌ساز اعمال محدودیت‌های سلیقه‌ای بسیاری بر عدم وجود شرایط پیش‌گفته بگذارد، اصل را بر احراز عدم وجود دو شرط پیش‌گفته از سوی مقامات دولتی گذاشته است که همین موضوع به‌خودی‌خود دامنه اختیارات و مداخلات دولتی و مخالفت‌های سلیقه‌ای را افزایش می‌دهد. جالب‌تر اینکه حتی در صورت صادرنشدن مجوز، مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به این امر، مجدداً همان فرمانداری خواهد بود.

در صورت صدور مجوز نیز مرجع صدور مجوز این حق را دارد که ملاحظات خود را برای برگزاری مراسم در برگ مجوز قید کند؛ ملاحظاتی که معلوم نیست دقیقاً چه مسائلی می‌تواند باشد و دست مسئولان دولتی را برای تحمیل هر امری به برگزارکنندگان مراسم باز می‌گذارد. حتی در مواردی مسئولان می‌توانند افراد را از برگزاری راهپیمایی‌ها و گردهمایی‌های خود در محل یا محل‌هایی خاص منع کرده یا آنها را ملزم به برگزاری گردهمایی‌های خود در محل معینی کنند.

با وجود تمامی این محدودیت‌ها برای متقاضیان برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها و حتی تعیین ضمانت اجراهای نسبتاً سنگین برای ایشان، الزامات تعیین‌شده برای مسئولان و مأموران در این طرح (در راستای صیانت از حق برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها)، انگشت‌شمار، مبهم و ناکافی بوده و حتی ضمانت اجرای گنگ و مبهمی دارد که راه را برای هرگونه سوءاستفاده‌ای در آینده باز خواهد گذاشت.

در پایان بیان این نکته خالی از فایده نیست که نگارنده در اولین روز دی‌ماه از طریق «سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» خواستار اطلاعات دقیق مجوزهای صادرشده از دو نهاد وزارت کشور و استانداری تهران شده بود که تاکنون که بیش از یک ماه گذشته، هیچ‌یک پاسخی نداده‌اند.

«دانشجوی دکترا حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

سیاست

ایران و اروپا مقابل هم؟

اگر ایران از توافق هسته‌ای خارج شود، اولین دستاورد آن برای ترامپ خواهد بود که با اجماع اروپا، روسیه و چین، تحریم‌های شورای امنیت را علیه ایران اعاده و به نام قانون بین‌المللی، دیگر کشورها را وادار می‌کند از آن تحریم‌ها تبعیت کنند و در صورت لزوم جهان را از ماده ۴۱ ماده منشور (تحریم‌های اقتصادی) به ماده ۴۲ (حمله نظامی) سوق می‌دهد. پس مانند در برجام، حمایت اروپایی‌ها و روسیه و چین را برای ایران نکه می‌دارد و سپس از قانونی‌شدن تحریم‌ها جلوگیری می‌کند و در نهایت اجازه حمله قانونی علیه یک کشور حاکم یعنی ایران را از آمریکا و متحدانش سلب می‌کند.

اجلاس لهستان درصورتی‌که اجلاسی برای اجماع علیه امنیت ملی ایران باشد، به همان اندازه غیرقانونی و خلاف حقوق بین‌الملل است که تحریم‌های ایران و خروج ترامپ از توافق هسته‌ای بوده‌اند. هیچ جمعی از کشورها نمی‌توانند علیه حاکمیت ملی کشور دیگری تشکیل جلسه دهند و برای نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یا نقض حقوق طبیعی و اساسی مردم آن کشور برنامه‌ریزی کرده و آن را به اجرا بگذارند. جامعه جهانی توافق و اجماع کرده که حاکمیت ملی و تمامیت ارضی همه اعضای سازمان ملل متحد به طور یکسان محترم باشد و کشور دیگری نمی‌تواند آن را نقض کرده یا نادیده بگیرد؛ بنابراین آمریکا، لهستان و هر کشوری که در چنین اجلاسی شرکت کنند، درصورتی‌که وارد دستور کار اجرایی علیه حاکمیت ملی یا هرگونه نقض امنیت ملی ایران شوند، این کار قابل شکایت در مجامع بین‌المللی و از جمله در دادگاه بین‌المللی دادگستری است. البته آمریکا و لهستان سعی خواهند کرد شکل و شمایل اجلاس را تبلیغاتی جلوه دهند و مصوبات واقعی آن را انتشار ندهند تا قابل تعقیب حقوقی نباشد. جدا از اینکه ایران چه اقدام حقوقی‌ای باید درباره اجلاس لهستان انجام دهد، برای پیشگیری از تبعات سیاسی چنین اجلاسی، ایران هم باید در کام اول به فکر اقدام سیاسی باشد و اجازه ندهد کشورهای مدعو به‌راستی دور هم جمع و به‌راحتی علیه ایران تصمیم‌های خصمانه بگیرند. برای درپیش‌گرفتن چنین راهکاری ابتدا باید از خودمان شروع کنیم و قبل از اینکه بیش‌ازاین دیر شود، درصدد جلب دوستی و همکاری با دیگر کشورها برآیم و در سیاست خارجی تعدیل لازم را به وجود آوریم که دیگر کشورها هم روی دوستی با ما، با اطمینان بتوانند حساب کنند که شاه‌یزده که شاه‌بیت توصیه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران است و اجرای آن سال‌هاست به تعویق افتاده، اکنون راهگشای سیاست خارجی کشورمان است که توصیه می‌شود قبل از اینکه خیلی دیر شود، به اجرا درآید.

لزوم تحقیق از بانک‌های خانوادگی

حال که مدیریت بانک مرکزی تغییر کرده است و ادعا می‌شود او توانسته‌اند آرامش را به فضای اقتصادی کشور برگرداند، یک درخواست ساده را مطرح می‌کنم. سری به همه بانک‌ها بزنید؛ بانک‌هایی که با شیوه خانوادگی اداره می‌شوند، بانک‌هایی که یک متهم و بدهکار بانکی در کوشی تلفن خود سند باقی می‌گذارد و پیامکی ارسال می‌کند که… فلان عضو هیئت‌مدیره باید تغییر برد و صراحتاً اعلام کند ساعت تغییر فلان عضو برای من مهم است و این امروز باید انجام شود… باید از این محاکمات درس عبرت گرفت و احتمال داد که این اعمال در دیگر بانک‌ها هم صورت گرفته یا می‌گیرد. باید رئیس بانک مرکزی به روش‌های نظارتی‌که ابزار آن را در اختیار دارد و دیگر نهادها به اعتبار اینکه باید کشور گرفتار مسئله دیگری مانند مؤسسات مالی شود، به هر طریق که صلاح می‌دانند، بحث تحقیق‌وتقص از دیگر بانک‌ها را هم کلید بزنند تا داده‌درشت‌هایی که اکثر منابع بانکی را تصاحب کرده‌اند، مشخص سرمایه می‌گوید «ما در اینجا ضررهای مباشر رسیده‌ای می‌کنیم؛ درحالی‌که ضررهای غیرمباشر جای خود را دارد که آقای فلان در فروش اموال به بانک ۴۸۰ میلیارد تومان گران‌نمایی داشته است. یک بنگاهدار که تا دیروز ملکی را متری پنج میلیون می‌فروخته است، ناگهان مشاهده می‌کند که بانک همان ملک را از آقای فلان متری ۴۰ میلیون تومان خریداری کرده است. در اینجا اثر این کار این است که آن بنگاهدار به افراد دیگر می‌گوید ملک کناری شما متری فلان قدر فروخته شده است؛ پس در اینجا ضررهای غیرمباشر نیز جای بررسی دارد». سبزشدن شعبات بانک‌های خصوصی در بهترین نقاط شهر که بعضاً در یک مساحت چندمصدتری چندین شعبه بانک سر بر می‌آورد. اولین نتیجه‌اش این است که باعث ضررهای غیرمباشر می‌شود؛ یعنی به صورت کاذب و برای نشان دادن ثروت و سرمایه بانک ارزش املاک شعبات را بالا می‌برد و همین بلابرند ارزش اموال باعث گرانی و در نهایت ایجاد وضع موجود می‌شود. باید کاری کرد.